

بحران جنگ و  
رسانه و تفکر  
انتقادیفرانعلی تنگ شیر  
مدرس ارتباطات

جنگ‌های امروزی جنگ‌های تکنولوژی و جنگ‌های پنهان و گاهی جنگ‌هایی از راه دور است.

جنگ پیروز ندارد جنگ داغی بر دل دو طرف است جنگ ضد زندگیست و دیگر هیچ.

زیرا مرگ نزدیک‌ترین حقیقتی است که در اندیشه انسان خیال و رویا می‌یابد در حالی که واقعیت محض است و یک پله از حقیقت جلو تر است مرگ از معمای‌های ذهنی آدمی است که از وقتی فهم برای و مستولی شود با او همراه می‌گردد ملت ایران در طول تاریخ چند هزار ساله خود هرگز جنگ افروز نبوده است اما تاریخ شهادت می‌دهد که در هر جنگی از وجب وجب خاک خود و مردم خود دفاع جانانه کرده است. تفکر انتقادی یعنی آگاهانه به دنبال شواهدی بگردیم که نظر فعلی ما است که این کار از سقوط ما در تله‌های تبلیغاتی و خبرسازی‌های سیاسی و حتی تجاری جلوگیری می‌کند واقعیت تلخ غیر قابل انکار این است که تفکر انتقادی ما ن بسیار ضعیف است زیرا در زمان نه جنگ و صلح با موارد زیر درگیر هستیم:

جنگ، آتش بس، مذاکره ضرب الاجل، تهدید، تایید، تکذیب، سکوت، بمباران خبری، امیدواری، ناامیدی، ترس، هوایی، زمینی، دریایی، نفت، ارز، طلا، دارو درمان گرسنگی، اقتصاد و بیکاری...

برای محافظت از روان و تصمیمات ما استفاده از سواد رسانه‌ای به بینش تحلیلی می‌تواند در بحران‌های جنگ راگشا باشند در فضایی که اخبار بدون منابع نادرست ضربه زنده به افکار ما هستند برای درمان ماندن از این گونه اخبار نادرست باید تفکر انتقادی خودمان را تقویت کنیم. و واقعیت دیگر این است که زندگی هر فرد به طور مستقیم به کیفیت تفکر او وابسته است و برای بهبود آن باید مهارت‌های زیادی را آموخت از جمله تفکر انتقادی زیرا تولید اطلاعات گمراه‌کننده موجبات اضطراب ترس خشم و احساس ناامنی و ناامیدی و قطبی‌سازی جامعه می‌گردند.

در هنگامه‌هایی چون جنگ بحران‌ها، پاندمی‌ها، فناوری‌های نوین، رسانه‌های اجتماعی، ربات‌ها و تروال‌ها و هوش مصنوعی ابزارهای جدیدی برای تولید و توزیع اطلاعات نادرست و عملیات روانی جامعه را فراهم می‌کنند.

برای تقویت تفکر انتقادی جهت راهی از ضربات مغزی که وارد می‌شود باید بتوان از یک جعبه ابزار باقی‌مانده ذهنی استفاده کرد.

یک منبع شناسی همیشه به دنبال منبع اصلی و انگیزه پشت انتشار خبر باشیم چه کسانی این خبر می‌گویند دو. جدا کردن خبر دروغ از تفسیر باید مرز میان واقعیت و تفسیر را جدا کنیم مثل جنگ‌های خبری و روانی

سه. راستی آزمایی متقاطع هرگز به یک منبع خبری اکتفا نکنیم و باید به اون شک کرد

چهار. پرهیز از سوگیری تأییدی باید از خبرسازی‌های سیاسی و تجاری دوری کرد و خبر نباید مورد خوشحالی و تأیید ما قرار گیرد بلکه باید به دنبال خبرهای درست از منابع متفاوت بود پنجم. مکت قبل از واکنش جنگ خبری و روانی بر پایه سرعت و هیجان بنا شده است بلید حداقل یک ساعت صبر کرد و از هیجانات لحظه‌ای عبور کرد بعد خبر را منتشر کرد و شاید بتوانیم این را تمرین کنیم که کاهی نمی‌دانم یا بی‌خبرم عاقلانه‌ترین موضعی است که می‌توان درباره یک موضوع حساس و حیاتی اتخاذ کرد در بحران جنگ و رسانه همیشه باید به آرامش روحی روانی جامعه توجه کرد نه استفاده از پروپاگاندهای جنگ خبری و روانی که باعث ترس و ناامیدی می‌شود.

## «شهر» در تب نان می‌سوزد

دستمزد روزانه کارگر کمتر از قیمت ۲۵۰ گرم گوشت قرمز!



«بدالله فرجی» فعال صنفی بازنشستگان و رئیس اسبق شورای اسلامی کار شرکت جنرال استیل، در رابطه با این معادلات نابرابر می‌گوید: پایه حقوق ۱۶ میلیون تومانی و حقوق نهایت ۲۲ میلیون تومانی یک بازنشسته بعد از سی سال کار، هیچ تناسبی با قیمت‌ها و کف بازار ندارد؛ کارگران و بازنشستگان در آرزوی این هستند که نیمی از ماه یا حتی بیشتر، در حسرت یک غذای ساده نباشند؛ در حسرت اینکه مدام شرمند خانواده نشوند.

این فعال صنفی با تأکید بر اینکه وقتی زمام آزادسازی و تورم را رها می‌کردند، هیچ در فکر معیشت مزدبگیران با حقوق ثابت نبودند، فقط می‌خواستند درآمدزایی کنند؛ افزود: «گوشت قرمز یک کالای «کاملأ لوکس» است؛ حتی قیمت مرغ و تخم مرغ هم نجومی شده؛ بعد از جنگ اخیر با افزایش چندباره قیمت‌های خوراکی مواجه بودیم و اگر فکری برای رسیدگی به وضعیت اقتصادی مردم نکنند، اوضاع به سمت وخامت حداکثری می‌رود؛ امروز مردم از وضع زندگی‌شان به شدت ناراضی‌اند...»

## سخن پایانی

«شهر» در تب نان می‌سوزد؛ در چند ماه اخیر، برخی قیمت‌ها به شدت نجومی شده؛ در همین مدت کوتاه، اقلامی مانند لبنیات، دو یا حتی سه بار گران شدند؛ داروها و ضروریات زندگی مردم نیز از دسترس خارج شده و در این میان، دولت و تصمیم‌سازان، در اظهارنظرها و جهت‌گیری‌ها، میلیون‌ها انسان درگیر بحران جدی را فراموش کرده‌اند؛ پادشان نمی‌افتد که اگر اوضاع تغییر اساسی نکنند، شهر در تب نان، خاکستر می‌شود...

در سال ۱۴۰۲، قیمت هر کیلو ران گوسفندی ممتاز، ۷۰۰ هزار تومان بود؛ سال ۱۴۰۳، نرخ هر کیلو ران به ۹۰۰ هزار تومان رسید؛ در سال ۱۴۰۴، قیمت آن یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان شد و اکنون در بهار ۱۴۰۵، قیمت هر کیلو ران گوسفندی ممتاز، ۲ میلیون و ۳۸۰ هزار تومان است.

در سال ۱۴۰۲، دستمزد روزانه کارگران ۱۷۶ هزار و ۹۴۲ تومان بود؛ در آن سال با دستمزد روزانه کارگر می‌شد ۲۵۰ گرم ران گوسفندی ممتاز خرید. در سال ۱۴۰۳، دستمزد روزانه ۲۳۸ هزار تومان تصویب شد، بازهم با دستمزد روزانه می‌شد ۲۶۰ گرم ران گوسفند خرید؛ در سال بعدتر (۱۴۰۴)، دستمزد روزانه کارگران حداقل بگیر، ۳۴۶ هزار تومان به تصویب رسید که بازهم با این پول، امکان خرید ۲۶۰ گرم ران گوسفندی وجود داشت.

اما در سال جاری، رقم ۵۵۴ هزار تومان به عنوان دستمزد روزانه کارگران در شوراییالی کار به تصویب رسید؛ این مبلغ پول خرید ۲۳۰ گرم گوشت ران گوسفندی ممتاز است. در واقع با افزایش ۶۰ درصدی دستمزد که دولتی‌ها و مشخصاً وزرای کار و اقتصاد، آن را گامی بلند در جهت بهبود معنادر وضع معاش کارگران توصیف کرده‌اند، قدرت خرید به نسبت سال‌های قبل به شدت افول کرده است تا حدی که دستمزد یک روز کارگر برای ۸ ساعت کار پیاپی، پول خرید ۲۵۰ گرم گوشت قرمز هم نیست!

این در حالیست که یک وعده غذای گوشتی برای یک خانواده سه نفره، حداقل به ۲۵۰ گرم گوشت نیاز دارد؛ بنابراین کارگر اگر کل حقوق روز خود را بدهد، بازهم نمی‌تواند فقط گوشت ناهار خانواده را تأمین کند، بماند که طبخ یک غذای بسیار ساده بدون مخلفات جنبی، به اقلام دیگری از جمله برنج، سبب زمینی، پیاز و سبزی هم نیاز دارد؛ هر کیلو برنج امروز بیش از ۴۰۰ هزار تومان قیمت دارد.

در سال جاری، رقم ۵۵۴ هزار تومان به عنوان دستمزد روزانه کارگران در شوراییالی کار به تصویب رسید؛ این مبلغ پول خرید ۲۳۰ گرم گوشت ران گوسفندی ممتاز است. در واقع با افزایش ۶۰ درصدی دستمزد که دولتی‌ها و مشخصاً وزرای کار و اقتصاد، آن را گامی بلند در جهت بهبود معنادر وضع معاش کارگران توصیف کرده‌اند، قدرت خرید به نسبت سال‌های قبل به شدت افول کرده است تا حدی که دستمزد یک روز کارگر برای ۸ ساعت کار پیاپی، پول خرید ۲۵۰ گرم گوشت قرمز هم نیست!

به گزارش ایلنا، طوفان تند گرانی‌ها، زندگی آبرومند و ساده‌ی طبقه کارگر ایران را جاروب کرده است. امروز، نه خانه‌دار شدن و داشتن سربناه شخصی، نه خرید یک خودروی ساده (حتی یک پراید با کمترین امکانات) و نه حتی یک سفر کوتاه آخر هفته به شمال، هیچ یک، جزو برنامه‌های زندگی خانواده‌های کارگری نیست؛ طبقه کارگر در تقای زنده ماندن و تأمین نیازهای ساده‌ای که خانواده را به عنوان یک ارگان حیاتی اجتماع سر پا نگه دارد، روز را با دو یا سه شیفت کار به نیمه شب گره می‌زند اما باز هم گره‌های کور زندگی باز نمی‌شود. نمونه‌ای از تنزل شدید سطح مطالبات و دغدغه‌های طبقه کارگر ایران، صحبت‌های «سعید» کارگر جوانی است که بعد از یک سال بیمه‌پردازی در یکی از شرکت‌های خدماتی تهران، از آرزوهای رنگ باخته‌ی خود می‌گوید:

«من ماهی ۲۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرم؛ مجردم، پول رهن آپارتمان نقلی‌ام را از خانواده گرفته‌ام و هیچ خرج جانبی ندارم اما این حال، مدت‌هاست توقع خرید خانه و ماشین را از ذهنم پاک کرده‌ام. آرزوی من خرید یک موتور ساده است که قیمتش زیر ۲۵۰ میلیون تومان نیست یعنی ده ماه حقوق کامل من. الان مدتی است که روزی یک وعده غذا می‌خورم تا پول موتور سیکت فراهم شود ولی باور می‌کنید در سه ماه اخیر، هر ریال هم پس‌انداز نکرده‌ام، تازه مقروض هم هستم...»

سعید در پاسخ به این سوال که چه فکری برای تشکیل خانواده و ازدواج دارد، با لیخندی تلخ می‌گوید: چنین چیزهایی حتی به مخیله‌ام خطور هم نمی‌کند؛ من برای خودم نان شب به زور تهیه می‌کنم... وقتی این روزگار کارگری جوان و مجرد با مدرک کارشناسی است، کارگران متاهل و صاحب فرزند چه روزگاری دارند؟ «شهر» در تب نان می‌سوزد و گرانی چندین و چندباره‌ی کالاهای ضروری خوراکی از جمله لبنیات، برنج، گوشت، مرغ و تخم مرغ و البته دارو، جایی برای دغدغه‌های فراتر نگذاشته است. همه چیز خلاصه شده است در تقای ناکام برای زنده ماندن.

## سقوط تند معیشت

سقوط معیشتی طبقه کارگر از میانه دهه ۹۰ شمسی و با پارانه‌زادی از اقتصاد و باز گذاشتن دست سودجویان برای بالا بردن قیمت‌ها و سودآوری از جیب مردم آغاز شد؛ آن زمان، هدفمندی یارانه‌ها، نام رمز آزادسازی و شوک‌درمانی ارزی بود اما شیب تند این سقوط، از سال‌های پایانی دهه ۹۰ تشدید شد؛ در یکی دو سال اخیر، قیمت ارز بی‌محای بالا رفت و زندگی بی‌توقف، سقوط کرد؛ در این میانه، جنگ ماه‌های اخیر، تیر خالصی بود که به سفره‌های بیجان و در حال نزاع کارگران شلیک شد.

حالا برای تحلیل آماری این سقوط، فقط در نظر گرفتن یک مولفه از سبد خوراکی‌ها کفایت می‌کند؛ اگر «قیمت گوشت قرمز» را فقط در سه سال اخیر در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که چه ضربه‌ای به پیکره معیشت کارگران وارد آمده است.

## بازنشستگان کشوری از «بیمه تکمیلی» ناراضی‌اند



بازنشستگان بابت بیمه تکمیلی و کسورات درج شده در احکام آن‌ها بسیار بیشتر شده و از ۲۱۰ هزار تومان در سال گذشته به ۸۴۰ هزار تومان (۴ برابر) افزایش یافته و در طرح طلایی به یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان نیز رسیده است، اما در عمل هیچ پیشرفت خاصی در طرح‌های بیمه تکمیلی بازنشستگان نمی‌بینیم. وی افزود: بسیاری از موارد و ردیف‌های درمانی ما در خدمات بیمه تکمیلی سال‌های قبل فاقد سقف بود که امروز پس از انتشار دیر هنگام مفاد قرارداد بیمه تکمیلی، مشخص شده که سقف پایینی برای آن در نظر گرفته شده است.

بسیاری از تعهدات دارویی باوجود افزایش حق بیمه پرداختی برای بیمه تکمیلی، کماکان پوشش داده نمی‌شود. اکنون سه ماه است که مراکز درمانی طرف قرارداد، به صورت یک طرفه قرارداد خود را با شرکت بیمه تکمیلی دی لغو کرده‌اند.

برخی دیگر خدمات خود را چراغ خاموش قطع کرده‌اند. در مقابل صندوق بازنشستگی کشوری نیز هیچ تعهدی بر گردن نمی‌گیرد، محمدرضا انتظاریان ادامه داد: حدود ۲۷ هزار میلیارد تومان بدهی

فرانشیز درمانی پرداخت شده برای بازنشستگان بسیار بالاست. تعیین سقف نیز برای برخی خدمات درمانی مثل بیماری‌های خاص پایین است. با این وجود، مراکز درمانی موجود، همین قرارداد را با همین شرایط بد هم نپذیرفتند و از روز اول با بیمه‌گر تکمیلی همکاری نکردند.

بحث بیمه تکمیلی برای بازنشستگان صندوق‌های بازنشستگی مختلف کشور، همواره محل بحث و انتقاد بوده است. سازمان تأمین اجتماعی سال‌هاست مشکل عدم تسویه حساب با شرکت بیمه تکمیلی را دارد و این مشکل گویا به صندوق‌های دیگر بازنشستگی از جمله صندوق بازنشستگی کشوری (دومین بیمه‌گر اجتماعی مهم کشور) سرایت کرده و باعث دردسر برای درمان بازنشستگان دولت شده است.

سال گذشته بود که در جریان انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی صندوق کشوری با یکی از شرکت‌های بیمه‌گر این حوزه، باوجود حضور خبرنگاران برای پوشش خبری انعقاد قرارداد، شرکت بیمه‌گر به دلیل اختلافی در تنظیم قرارداد، در دقیقه نود پای میز حاضر نشد و خبرنگاران دست از پا درازتر و بدون خبر به دفاتر خود بازگشتند.

پس از ناکارآمدی بیمه دانا در پاسخ به مطالبات بازنشستگان کشوری و انباشته‌شدن انبوهی بدهی برای صندوق‌های جریان این قرارداد، سال گذشته زمزمه بستن قرارداد با بیمه دی و پیروزی این شرکت در مناقصه مطرح شد، اما امضای قرارداد بیمه تکمیلی با این شرکت نیز به تأخیر افتاد. سرانجام در نیمه اردیبهشت‌ماه امسال، با تأخیری چندماهه، قراردادی که قرار بود قبل از جنگ اخیر بسته شود، بالاخره نهایی و امضا شد. قرار بود میزبانی بیمه دی از ۲.۵ میلیون بازنشسته ۱۳ هزار مرکز درمانی رقم بخورد؛ حالا اما همچنان مشکلات بیمه تکمیلی بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری سر جای خود قرار دارد و گلاجه‌هایی در این رابطه مطرح است؛ گلاجه‌هایی که شامل صندوق‌های ادغام‌شده و بازنشستگان آن (هما و فولاد) نیز می‌شود و محدود به کارکنان بازنشسته دولت نیست! محمدرضا انتظاریان، نماینده بازنشستگان آموزش و پرورش در استان خراسان شمالی در این ارتباط توضیح می‌دهد: علیرغم اینکه پرداختی‌های

هستند، از نظر قانون در جایگاه کارفرما قرار می‌گیرند و رابطه تبعیتی کارگری با شرکت ندارند.

وی در خصوص سربازان وظیفه نیز خاطرنشان کرد: «این افراد در دوره خدمت هستند و رابطه کاری فعال ندارند که بابت از دست دادنش بیمه دریافت کنند.»

این فعال کارگری در پایان به یک شرط زمانی بسیار مهم اشاره کرد و هشدار داد: برای دریافت بیمه بیکاری، متقاضیان حتماً باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ بیکاری، مراتب را به اداره کار و امور اجتماعی اطلاع دهند تا فرآیند قانونی آن آغاز شود.

اشاره کرد و گفت: مطابق قانون، تنها کارگران ایرانی مشمول دریافت مقرری بیمه بیکاری هستند و اتباع خارجی واجد شرایط دریافت آن نیستند. او با تأکید بر اینکه بیمه بیکاری تنها به بیکاری‌های ناخواسته تعلق می‌گیرد، افزود: کسانی که به صورت ارادی استعفا داده‌اند نیز مشمول حمایت نمی‌شوند؛ چرا که فلسفه بیمه بیکاری حمایت از افرادی است که «بدون میل و اراده» بیکار شده‌اند و کسی که به خواست خودش کار را ترک کند، از این چتر حمایتی خارج است.»

فرزعلیان وضعیت مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره را نیز مشابه دانست و تشریح کرد: این افراد که جزو بیمه‌شده‌های غیراجباری

وی با اشاره به گروه اول اظهار داشت: «بازنشستگان و از کارافتادگان کلی نمی‌توانند این مقرری را دریافت کنند؛ چرا که این افراد مستمراً بگیردانی سازمان هستند و طبق قانون، درآمد جایگزین با همان حقوق بازنشستگی را دارند.»

فرزعلیان درباره وضعیت صاحبان حرف، مشاغل آزاد و بیمه‌شدگان اختیاری نیز توضیح داد: بیمه بیکاری مخصوص کسانی است که رابطه «کارگری و کارفرمایی» دارند. در مشاغل آزاد، فرد خودش کارفرمای خودش است و اخراج یا بیکاری غیرارادی برای او معنای قانونی ندارد. این فعال کارگری در ادامه به محرومیت اتباع خارجی از این قانون